

In the Name of Allah

گرامر و بخش (writing) درس دوم پایه دهم:

انواع صفت از نظر مقایسه :

۱ - صفت برابری (تساوی) (equality) : این صفت برای بیان مقایسه و تساوی، مابین دو چیز، دو شخص یا دو موقعیت استفاده می شود.

الگوی صفت برابر : **as + صفت + as**

- 1- Reza is 10 years old. Ali is 10 years old. Reza is as old as Ali.
2- This ruler is 50 centimeters long. That ruler is 50 centimeters long.
This ruler is as long as that ruler.

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی) : اگر جمله منفی باشد، از الگوی زیر هم همیشه استفاده کرد.
(استفاده از این الگو اختیاری است)

(not) so + صفت + as

- 3 - A cow is not so big as an elephant. (= A cow is not as big as an elephant.)

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی) : به الگوی های زیر برای درک بیشتر صفت های برابر توجه فرمایند:

as many + اسم جمع + as

- 4- This book has as many pages as that book.

as much + اسم غیر قابل شمارش + as

- 5- This bottle has as much milk as that one.

the same + اسم + as

- 6- My father is 65 years old. My mother is 65 years old.
My father is the same age as my mother. (= my father is as old as my mother.)

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی) : الگوی قید برابر هم، مثل صفت برابر می باشد (قید يك فعل را توصیف می کند)

as + قید + as

- 7- I drive my car as carefully as my father.
8- I can speak English as well as my friend.

۲ - صفت برتر (تفصیلی) **comparative adjectives** : معمولاً برای بیان برتری يك چیز بر يك چیز دیگر، یا يك شخص بر يك شخص دیگر استفاده می شود.

1 صفت برتر

er + than + صفت يك بخشی

- 1- Ali is older than Reza.
2- She is taller than I am. (OR me) (informal)

2 صفت برتر

more + صفت چند بخشی + than

- 3- This house is more beautiful than that house.
4- Girls are more successful than boys in oral skills.

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی): در ساختار بالا، به جای **more** در معنای عکس، از **less** استفاده می شود.

- 5- This story is less interesting than that one.
6- This book is less expensive than that book.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): برای توصیف و تأکید بر صفات برتر، از کلمات (خیلی) **a bit, much / a lot / far** و **rather / a little /** (نسبتاً) استفاده می شود. قبل از صفات برتر، نباید از **very** استفاده شود.

- 7- My sister is much / far older than me.
8- Chinese is much / far more difficult than English.
9- He is a lot happier than his sister.
10- There are a far / a lot greater number of women working in television than 20 years ago.
11- This book is a bit easier than that one.
12- This lesson is rather more difficult than that one.
13- This house is a little more expensive than that house.

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی): به ساختار های زیر توجه فرمایید: (تأثیر يك عمل بر عمل دیگر)

- 14- The older I get, the happier I am.
15- The more dangerous it is, the more I like it.
16- The stronger, the better.

نکته اضافی ۴ (زبان تخصصی): الگوی قید برتر هم، مثل صفت برتر می باشد (قید يك فعل را توصیف می کند)

- 17- My sister speaks English faster than my mother.
18- Mina talks more politely than her brother.

۳ - صفت برترین (عالی) (**superlative adjective**) : برای بیان برتری يك چیز به تمام چیزها و یا يك شخص به کل اشخاص دیگر به کار می رود.

1 صفت برترین **the + صفت يك بخشی + est** (اسم هم نوع + **of**) / (اسم مکان + **in**)

- 1- This tree is **the tallest** tree **in** our garden.
2- This dictionary is **the largest** **of** all others.

2 صفت برترین **the most + صفت چند بخشی (اسم مکان + in) / (اسم هم نوع + of)**

- 3- Tehran is **the most expensive** city **in** Iran.
4- This is **the most interesting** movie **that I have ever seen**.

(- حال کامل = ماضی ثقی) یکی دیگر از علایم صفت برترین می باشد.

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی) : در ساختار بالا، به جای **the most** در معنای عکس، از **the least** استفاده می شود.

- 5- This story is **the least interesting** story **in** this book.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی) : الگوی **قید برترین** هم، مثل صفت برترین می باشد (قید يك فعل را توصیف می کند)

- 6- David runs **the fastest** of all the runners on the team.
7- **Of** the three drivers, Reza drives **the most carefully**.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی) : برای توصیف و تأکید بر صفات برترین، از کلمات (تا حد زیادی / با اختلاف زیاد) **by far** / **quite** (کاملاً) و **nearly** / و ... استفاده می شود.

- 8- She is **by far the oldest** in our class.
9- He is **quite the most stupid** man that I have ever met.
10- He is **nearly the youngest** student in our school.

نکات کلی در مورد صفات از نظر مقایسه :

نکته ۱ : اگر صفت دو بخشی به **y** ختم شود، همانند صفت يك بخشی در حالت برتر **er** و در حالت برترین **est** می گیرند.

به املاي کلمات (**-iest** / **-ier**) دقت شود. برخی از صفات دو بخشی که به **y** ختم می شوند عبارتند از :

busy / easy / heavy / happy / pretty / lazy / early / friendly / lovely / funny / wealthy ...

- 1- This lesson is **easier than** that one.

ثروتمند

- 2- This lesson is **the easiest** one **in** our book.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی) : برای کلمات زیر در حالت مقایسه (برتر و برترین) ، از دو روش همیشه استفاده کرد ، هم می توانند در

حالت برتر **er** و در حالت برترین **est** بگیرند و هم می توانیم قبل از آنها، **more** و **the most** بیاریم.

(هر چند که در مورد همه ی این کلمات ، اتفاق نظر کامل، بین گرامر نویسندگان وجود ندارد.)

clever = (باهوش و زرنگ)

simple = (ساده)

quiet = (آرام و ساکت)

common = (رایج و متداول)

pleasant = (خوشایند و دلپذیر)

gentle = (ملایم و نجیب)

narrow = (باریک)

shallow = (کم عمق)

polite = (باادب)

- 3- This question is **simpler than** that question.

= This question is **more simple than** that question.

- 4- My brother was much **cleverer than** I was at school.

= My brother was much **more clever than** I was at school.

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی): صفت برتر و برترین کلمه (old) به شکل **older, the oldest** می باشد، اما در **British English**، برای احترام، فقط برای اعضای خانواده، صفت برتر و برترین کلمه (old)، به شکل **elder, the eldest** قبل اسم هم بکار می رود.

5- This is Maryam. She is my **elder sister**. OR This is Maryam. She is my **older sister**.

6- Kathy is **the eldest member** of the family. OR Kathy is **the oldest member** of the family.

7- I think your grandmother is **older than** my grandmother. (جمله ی درست)

8- I think your grandmother is **elder than** my grandmother. (جمله ی نادرست)

صفات بی قاعده:

برخی از صفات در حالت های برتر و برترین از الگوهای بالا پیروی نمی کنند، بلکه دارای شکل خاصی در حالت های برتر و برترین هستند و آنها را باید به خاطر سپرد.

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
good خوب	better بهتر	the best بهترین
bad بد	worse بدتر	the worst بدترین
many / much زیاد	more بیشتر	the most بیشترین
little کم	less کمتر	the least کمترین
far دور/ بیش	farther دورتر / further بیشتر	the farthest/ the furthest

9- My handwriting is **worse than** his handwriting. (**bad**)

10- Ali is **the best** student **in** the class. (**good**)

11- Your library has **more** books **than** our library. (**many**)

12- I have **less** money **than** you. (**little**)

13- The nearest house was **much farther than** she thought. (**far**)

14- **The farthest** end of the garden has a lot of grass. (**far**)

صفات ها / Adjectives:

صفت کلمه ای است که اسم را توصیف می کند

انواع صفت ها عبارتند از:

۱- **Quality (کیفیت) , Opinion (نظر و عقیده):**

nice / neat (مرتب و تمیز) / boring / beautiful / expensive / lovely/ funny / interesting ...

۲- **Size (اندازه و سایز):**

small / little / large / big / short / tall / long / ...

۳- **Age (سن و قدمت):**

Young / new / old / modern / ...

۴- **Shape (شکل):**

round گرد و منور / wide پهن / square مربع ...

5- color (رنگ):

white / red / black / yellow / blue / brown / gray / ...

6- Nationality / Origin (ملیت و مبدا):

Iranian/ German / Turkish / Chinese / English / Brazilian / ...

7- Material (جنس و مواد):

wooden چوبی / rocky صخره ای / metal فلز / gold / silver تهره / bronze / Iron آهن / plastic / silk ابریشم / cotton نخ / glass شیشه / leather چرم * golden طلا / طلایی رنگ / ...

8- Purpose (هدف و کاربرد): این کلمات اسم هستند که اسم های بعد از خود را توصیف می کنند

Sports cars / a school bus / a shopping bag...

نکته اضافی (زبان تخصصی): صفت های مربوط به شماره ای ۴ و ۸ در کتاب درسی نیومده است اما بهتر است که یاد گرفته شوند صفت های دیگری هم وجود دارد مثل (ارتفاع **height** / طول **length**) که بعد از صفت (**size**) ، (**temperature** دما) بعد از صفت (**age**) و (**pattern**) بعد از صفت (**color**) می آید که خارج از حیطه ی کتاب درسی و کنکور می باشد

طرز قرار گرفتن چند صفت پشت سر هم قبل از اسم:

Determiner + quality + size + (age) + (shape) + color + nationality + material + (purpose) + noun

اسم + (اسم کاربرد) + جنس + ملیت + رنگ + (شکل) + (سن/ قدمت) + اندازه + کیفیت + شناسه

It is a nice big old round black Italian iron tennis racket.

آن یک راکت تنیس آهنی ایتالیایی گرد مشکی قدیمی بزرگ خوب است .

an interesting old French painting

a nice new green shirt

the beautiful Persian silk carpet

- برای یاد گیری ترتیب صفات در کتاب درسی کلمه (شکارم جا) را به یاد داشته باشید
- برای یاد گیری ترتیب صفات در حالت کلی **شکا (س / ش) رم جا** را به یاد داشته باشید
- در باره جزئیات ترتیب صفات قبل اسم اتفاق نظر کامل بین گرامر نویسندگان نیست ولی فرمول ارائه شده در بالا همیشه در سوال های کنکور جواب می دهد .

- در کتابهای جدید انگلیسی صفت کیفیت (**quality**) را صفت نظر / عقیده (**opinion**) می نامند
شناسه ها (مشخصه ها / توصیف کننده ها) عبارتند از:

۱- حروف تعریف (a / an / the)

۲- صفات عددی (اول عدد ترتیبی بعد عدد شمارشی) the first two days

۳- صفات اشاره (this/that/these/those)

۴- صفات ملکی (my/your/his/her/its/our/their)

۵- صفات کمی (some/ a few / no / any / a little / a lot of / much / many...)

۱ - قبل از اسم :

1- It was a **beautiful** flower.

صفت اسم

2- My friend has **powerful** arms and legs.

صفت اسم

۲ - بعد از افعال ربطی (linking verbs) :

مهم ترین افعال ربطی عبارتند از :

to be (am, is, are , was , were...) = بودن / هستن

become = شدن

taste = مزه داشتن / دادن

feel = احساس کردن look = به نظر رسیدن

seem = به نظر رسیدن

appear = به نظر رسیدن

smell = بو داشتن / دادن get = شدن

grow = شدن

sound = به نظر رسیدن

stay / remain (healthy / silent) = ماندن (سالم / ساکت)

3- He **looks** angry.

صفت

4- The soup **tastes** nice.

صفت

5- It's **getting** dark.

صفت

6- The whole story **sounded** very odd. (عجیب)

صفت

7- He tried hard to **appear** calm. (آرام)

صفت

نکته ی اضافی (زبان تخصصی) : اگر فعل های مذکور، در معانی زیر باشند، فعل اصلی به حساب می آیند.

taste = چشیدن appear = ظاهر شدن smell = بویدن sound = صدا دادن

feel = حس کردن grow = پرورش دادن / رویدن get = گرفتن stay/remain = ماندن (در یک مکان)

8- I **tasted** the soup.

9- A few small white clouds **appeared** in the sky.

10- She **smelled** the flower.

11- I **feel** the wind.

12- He **sounded** his horn to warn the other drivers.

horn = بوق ماشین warn = اخطار دادن / هشدار دادن

صفت + واحد شمارش و اندازه گیری + to be

13-My watch is five minutes slow.

صفت واحد شمارش

14- This table is two meters long.

صفت واحد شمارش

نکته ۱ اضافی (زبان تخصصی): در زبان انگلیسی برخی از صفت ها، قبل از اسم نمی آیند و فقط بعد از فعل های ربطی می آیند

alive= (زنده) awake=(بیدار) asleep = (خوابیده) alone=(تنها) afraid= (ترسیده)

ashamed= (شرمنده) aware=(آگاه) *ill= (بیمار) *well= (سالم و تندرست)

15-The fish is alive. (جمله درست)

16-*It is an alive fish. (جمله نادرست)

17-It is a live fish. (جمله درست)

18- He looks ill. (جمله درست)

19-*He is an ill child. (جمله نادرست) He is a sick child. (جمله درست)

نکته : اگر صفت (ill) به معنی (bad/ harmful/ ...) باشد می تواند قبل از اسم بیاد .

20- He quit his job because of ill health.

21-She suffered no ill effects from the experience.

22- It is a bird of ill omen. (بدین)

23-When I'm in the mountain, I am always well. (جمله درست)

24-*He is a well man. (جمله نادرست) /

25- He is a healthy / fit man. (جمله درست)

نکته ۲ اضافی (زبان تخصصی): در زبان انگلیسی برخی از صفت ها، فقط قبل از اسم می آیند و بعد از فعل های ربطی نمی آیند

elder/ eldest= (مسن تر / مسن ترین) little= (کوچک)

deadly= (کشنده و مرگبار) bloody= (خونین)

26-My elder brother got married last year.

27 -*My brother is elder than your brother. (جمله نادرست)

28-She had a nice little house. (جمله درست)

29-*Her house was little. (جمله نادرست)